

عملکرد و نقش مدیران حقوقی در هیئت مدیره

و زیست محیطی شرکت ها

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۹/۲۹، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۱۲/۱۸)

سیده ساناز میرمسعودی^۱

دانشجوی کارشناسی حقوق ثبت اسناد و املاک دانشگاه علمی کاربردی تالش

محمد جوادنیا ریک^۲

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه علمی کاربردی تالش

چکیده

این مقاله بررسی می کند که آیا و چگونه محیط قانونی شرکت ها بر عملکرد زیست محیطی آنها تأثیر می گذارد. پس از ارائه شواهد جدید در مورد ارتباط مثبت بین منشاء قانون مدنی و نتایج زیست محیطی شرکت ها، ما پیشنهاد می کنیم و نشان می دهیم که مدیران با تحصیلات قانونی یا تجربه کاری تأثیر قوی تری بر نتایج زیست محیطی شرکت ها در قانون مدنی نسبت به کشورهای عرفی دارند. نتایج نشان می دهد که اثر انطباق مدیران حقوقی برای شرکت های مستقر در کشورهای قانون مدنی قوی تر از اثر خطر دعوی قضایی برای شرکت های کشورهای عرفی است. با استفاده از یک آزمایش شبه طبیعی از توافق نامه پاریس، شواهدی را پیدا می کنیم که با تفسیر ما سازگار است. این مقاله به صورت کتابخانه ای و مروری می باشد.

واژگان کلیدی: حقوق مدنی، محیط قانونی شرکت ها، مدیران حقوقی، قانون کامن لا

^۱ نویسنده مسئول Sanazeshomal@yahoo.com

^۲ Mohammadjavadnia2@gmail.com



بخش اول: کلیات و بررسی ابعاد حقوقی موضوع

یک رشته تأثیر گذار از ادبیات استدلال می کند که محیط قانونی شرکت ها عامل مهمی است که نتایج زیست محیطی آنها را شکل می دهد. به عنوان مثال، نشان می دهند که منشاء حقوقی قانون عرفی متمرکز بر سهامداران با انتشار قابل توجهی بالاتر CO₂ مرتبط است. دریافتند که شرکت های مستقر در یک کشور قانون مدنی عملکرد اجتماعی شرکتی و مسئولیت زیست محیطی شرکتی بهتری نسبت به شرکت های کشورهای عرفی دارند. در حالی که این مطالعات روشنگر هستند، مکانیسم هایی را که از طریق آن محیط قانونی نتایج زیست محیطی و اجتماعی شرکت ها را بهبود می بخشد، بررسی نمی کند. در این مقاله، ما این شکاف را با بررسی، و ارائه شواهد تجربی در مورد، مکانیزم بالقوه ای که مزیت قانون مدنی را در ارتقای عملکرد زیست محیطی شرکت ها توضیح می دهد، پر می کنیم. درک این سوال پیامدهای مستقیمی برای سیاست هایی دارد که به منظور ایجاد انگیزه در شرکت ها برای سرمایه گذاری در محیط زیست در نظر گرفته شده است.

ما استدلال می کنیم که مدیران حقوقی، که به عنوان افرادی با مدرک حقوق و یا تجربه کاری در صنعت خدمات حقوقی تعریف می شوند، کانال مهمی هستند که از طریق آن سیستم های حقوقی مختلف بر عملکرد زیست محیطی شرکت ها تأثیر می گذارند. در تئوری، مدیران حقوقی می توانند بر شرکت ها تأثیر بگذارند. تصمیم گیری در مورد سرمایه گذاری های زیست محیطی از طریق دو مکانیسم کلیدی اول، آنها به کاهش هزینه های مربوط به دعوای حقوقی سهامداران ناشی از مشارکت در سرمایه گذاری های سازگار با محیط زیست کمک می کنند. شرکت ها هنگام سرمایه گذاری در پروژه های زیست محیطی با خطر دعوای حقوقی سهامداران مواجه هستند زیرا چنین سرمایه گذاری هایی ممکن است به نفع سهامداران نباشد. داشتن مدیرانی با سابقه حقوقی می تواند هم احتمال شکایت از شرکت و هم میزان غرامت در صورت شکایت از آنها را کاهش دهد و در نتیجه هزینه های مورد انتظار سرمایه گذاری های زیست محیطی را کاهش دهد. دوم، مدیران حقوقی می توانند ارزش فعلی خالص پروژه های مرتبط با محیط زیست را با کاهش هزینه های انطباق قوانین ملی، مقررات و هنجارهای اجتماعی مرتبط افزایش دهند. این کاهش هزینه هم در سرمایه گذاری اولیه و هم عامل تخفیف وارد می شود، زیرا رعایت قوانین، مقررات و



هنجارهای اجتماعی یک تلاش مستمر است. با استفاده از مجموعه داده‌ای از ۶۹۴۹ شرکت از ۴۴ کشور طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۷، ابتدا شواهد جدیدی در مورد رابطه حقوقی مستند شده در ادبیات قبلی ارائه می‌کنیم که به موجب آن شرکت‌ها در کشورهای قانون مدنی راندمان انتشار بهتر و رتبه‌بندی زیست‌محیطی بالاتری دارند. ما همچنین دریافتیم که مدیران حقوقی در کشورهای قانون مدنی تأثیر بیشتری بر عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌ها دارند. این نتیجه توضیح جدیدی در مورد اینکه چرا شرکت‌های حقوقی مدنی نتایج اجتماعی شرکتی بهتری دارند ارائه می‌دهد. مدیران حقوقی تأثیرات قوی‌تری در کشورهای قانون مدنی دارند. (حیدری، ۱۴۰۰)

ما بیشتر به بررسی دلایلی می‌پردازیم که چرا مدیران حقوقی تأثیرات قوی‌تری در کشورهای قانون مدنی دارند. ما استدلال می‌کنیم که مدیران حقوقی در کشورهای قانون مدنی بر عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌ها عمدتاً از طریق کانال کاهش هزینه‌های انطباق تأثیر می‌گذارند، در حالی که مدیران حقوقی در کشورهای عرفی بر نتایج اجتماعی شرکت‌ها عمدتاً از طریق مکانیسم خطر دعوی قضایی تأثیر می‌گذارند. این استدلال با نظریه‌های موجود در ادبیات حقوق و اقتصاد مطابقت دارد که نشان می‌دهد کشورهای قانون کامن لا به میزان بیشتری برای حل مشکلات اقتصادی به حل و فصل قضایی پس از آن تکیه می‌کنند، در حالی که کشورهای قانون مدنی تمایل دارند قوانین و مقررات سخت‌گیرانه‌تری را از قبل برای بازدارندگی وضع کنند. رفتارهای غیر قانونی بنابراین، این نظریه‌ها از فرضیه ما حمایت می‌کنند که مدیران حقوقی از طریق کانال‌های مختلف، هرچند نه انحصاری، بر سیاست‌های زیست‌محیطی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند. در نمونه ما، نتایج را به این معنا تفسیر می‌کنیم که کاهش هزینه انطباق برای شرکت‌های مستقر در کشورهای قانون مدنی اهمیت بیشتری نسبت به کاهش خطر دعوی قضایی برای شرکت‌های کشورهای عرفی دارد. این مقاله به یک بحث پایدار در مورد عوامل تعیین‌کننده عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی شرکت‌ها کمک می‌کند. ادبیات سنتی اقتصاد به عملکرد شرکت‌ها از دریچه نظریه نمایندگی می‌نگرد. به عنوان مثال، بسیاری استدلال می‌کنند که نتایج شرکت‌ها نتیجه کیفیت حاکمیت خوب یا بد است و درجات مختلفی از هزینه‌های نمایندگی را منعکس می‌کند. در این چارچوب نمایندگی، جریان کوچکی از ادبیات وجود دارد که خط مشی شرکت را در جنبه‌هایی مانند ساختار پاداش مدیران شرکت، تنوع جنسیتی، جریان نقدی آزاد و محدودیت



مالی نشان می دهد که به تعیین عملکرد اجتماعی آن کمک می کند. این نظریه ها در حالی که تأثیرگذار هستند، تغییرات بین کشوری را در رفتارهای اجتماعی شرکت ها توضیح نمی دهند و اغلب نتایج متفاوتی را در مطالعات با نمونه های مشابه به دست می دهند. دیدگاه برجسته دیگری در مورد منشاء نتایج اجتماعی شرکت ها استدلال می کند که عملکرد شرکت تا حدی توسط نهادها، ترجیحات اجتماعی و فرهنگ یک کشور تعیین می شود. به عنوان مثال، استدلال کنید که سیستم حقوقی و هنجارهای اجتماعی یک کشور پیامدهای مهمی بر آن دارد و نشان می دهد که شرکت ها در کشورهای قانون مدنی از رتبه بندی مسئولیت اجتماعی شرکتی بالاتری نسبت به همپایان مشابه خود در کشورهای کامن لا برخوردار هستند. ما با ارائه شواهد جدید در مورد رابطه بین قانون و نتایج شرکت ها و ارائه شواهد عملی در مورد مکانیسم جدیدی که از طریق آن قانون بر عملکرد شرکت ها تأثیر می گذارد، به این بحث اضافه می کنیم.

برای انجام مطالعه خود، از دو منبع داده در مورد عملکرد زیست محیطی شرکت ها استفاده می کنیم. بانک جهانی اطلاعاتی را در مورد انتشار گازهای گلخانه ای در سطح کشور جمع آوری می کند که بر اساس تولید ناخالص داخلی یک کشور، با دلار آمریکا ۲۰۱۰ تنظیم شده است. بنابراین، این مجموعه داده معیارهای قابل مقایسه ای را در بین کشورهای مختلف از انتشار انواع گازهای گلخانه ای، مانند CO₂ متان، اکسید نیتروژن و غیره ارائه می دهد. ما پنج متغیر برای انتشار گازهای گلخانه ای در سطح کشور ایجاد می کنیم که به ترتیب انتشار CO₂، انتشار متان، انتشار اکسید نیتروژن، سایر انتشار گازهای گلخانه ای و ترکیبی از همه انواع انتشار را اندازه گیری می کنند. در سطح شرکت، ارزیابی هایی از عملکرد زیست محیطی شرکت ها در سه دسته ارائه می کند که در مجموع شامل ۹۶ مورد مرتبط با محیط زیست شرکت است. ما چهار متغیر عملکرد محیطی شرکت را از این مجموعه داده می سازیم که عملکرد کاهش انتشار شرکت، نوآوری محصول مرتبط با انتشار، کاهش منابع مرتبط با انتشار و ترکیب عملکرد یک شرکت را در سه بعد اول اندازه گیری می کند. به منظور در نظر گرفتن حاشیه های شدید و گسترده تأثیر مدیران حقوقی بر عملکرد زیست محیطی شرکت ها، ما دو پروکسی مدیر حقوقی ایجاد می کنیم: نسبت تعداد کل مدیران با مدرک حقوق و یا تجربه در صنعت حقوقی، به اندازه هیئت مدیره و شاخصی که در



صورت حضور یک مدیر قانونی همانطور که در بالا تعریف شد در هیئت مدیره یک شرکت یک و در غیر این صورت صفر است. (تارلتون، ۱۳۹۶)

ما تحلیل‌های خود را با بررسی رابطه بین منشاء قانونی یک کشور و میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای، با استفاده از یک مدل حداقل مربعات معمولی آغاز می‌کنیم. ما متوجه شدیم که کشورهای با منشاء قانون مدنی با انتشار گازهای گلخانه‌ای کمتری همراه هستند، مشروط به سطح توسعه مالی و اقتصادی و اثرات ثابت سال. چنین نتایجی به انتخاب معیارهای انتشار حساس نیستند. در تمام سطح کشور، متغیر منشاء قانون مدنی دارای ضرایب منفی و معنی دار آماری در سطح معنی داری ۱ درصد است. این نشان می‌دهد که به‌طور میانگین، کشورهای قانون مدنی به ازای هر دلار تولید داخلی، ۰.۱۴۱ کیلوگرم کمتر از کشورهای عادی تولید گازهای گلخانه‌ای دارند، که با میانگین نمونه ما برای انتشار کل کشورها، ۲۴ درصد کاهش دارد. ما همچنین شواهدی در سطح شرکت در مورد منشاء قانونی رابطه با محیط زیست ارائه می‌دهیم. به‌طور خاص، ما چهار امتیاز عملکرد زیست محیطی شرکت را که از شاخص منشاء قانونی به دست آمده است، در حالی که اثرات کیفیت حاکمیت شرکت اندازه‌گیری شده توسط اندازه هیئت مدیره، نسبت مدیران زن و غیرموظف و دوگانگی مدیرعامل و سایر ویژگی‌های شرکت را کنترل می‌کنیم. در توضیح ارزش شرکت، مالکیت نهادی، بازده دارایی‌ها، اهرم مالی و اینکه آیا یک شرکت در یکی از بورس‌های ایالات متحده فهرست شده است یا خیر، مهم هستند. ما دریافتیم که شرکت‌هایی که در یک محیط قانون مدنی فعالیت می‌کنند به‌طور متوسط، عملکرد زیست محیطی بالاتری دارند، یعنی ۳.۳۳۷ امتیاز بالاتر از همتایان مشابه خود در کشورهای عرفی، که معادل افزایش ۱۷ درصدی در میانگین شاخص زیست محیطی است. این اثر به انتخاب اقدامات حساس نیست. این نتایج حتی زمانی که سطح توسعه مالی و اقتصادی و سایر عوامل کلان مانند سطح فساد، میزان برخورداری شهروندان از آزادی بیان و درجه کارآمدی دولت را کنترل کنیم، قوی هستند. این نتایج با این استدلال که سیستم حقوقی تأثیر قابل توجهی بر نتایج زیست محیطی شرکت‌ها دارد، مطابقت دارد. (تارلتون، ۱۳۹۶)



بخش دوم: پیوند و دامنه قانون بهداشت جهانی

دامنه در حال گسترش حقوق جهانی بهداشت را می توان تا حدی به عنوان محصول درک افزایش یافته از پیوستگی نگرانی های جهانی معاصر و به طور همزمان، پیوند سلامت با سایر مسائل حقوقی درک کرد. محققان حقوق بین الملل به طور سنتی موضوعات اساسی مانند حقوق بشر، حفاظت از محیط زیست، کنترل تسلیحات و بهداشت عمومی را به عنوان حوزه های مستقل با ارتباطات محدود تقسیم کرده و با آنها برخورد می کردند. یکپارچگی سریع جهانی که به واسطه جهانی شدن معاصر به پیش رانده شده است به شناخت پیوند بین قلمروهای مختلف حقوق بین الملل کمک کرده است. در نتیجه ارتباط موضوع، حقوق بین الملل و سلامت جهانی به طور فزاینده ای به عنوان یک جزء اصلی دیگر رژیم های حقوقی بین المللی، از جمله قانون کار، حقوق بشر، کنترل تسلیحات و تجارت بین المللی شناخته می شوند. ارتباط اخیر بین سلامت و حقوق بشر در حقوق و رویه بین المللی معاصر که در بخش قبل مورد بحث قرار گرفت، نمونه ای مهم از پیوند دو قلمرو سنتی متمایز حقوق بین الملل است. تکامل مفهوم امنیت انسانی نمونه جالب دیگری از این پیشرفت را ارائه می دهد. درک سنتی از امنیت انسانی در سال های اخیر تحت فشار فزاینده ای قرار گرفته است، با حمایت فزاینده از رویکردی جامع به امنیت انسانی که به عوامل گسترده ای که بر آسیب پذیری افراد تأثیر می گذارد می پردازد. در سال ۲۰۰۳، کمیسیون امنیت انسانی سازمان ملل گزارشی را منتشر کرد که در آن چارچوب امنیتی جدیدی را پیشنهاد کرد و ارتباط بین سلامت و امنیت انسانی را به رسمیت شناخت. در مرکز بحث در مورد ارتباط بین سلامت جهانی و امنیت بوده است. اینها برای تسهیل همکاری کشورها و سازمان جهانی بهداشت برای شناسایی و کنترل خطرات بهداشتی طراحی شده اند. به عنوان مثال، در زمان تدوین پیش نویس نگرانی جهانی در حال گسترش تجدید نظر شده در مورد سلاح های کشتار جمعی و تروریسم که بر ارتباط متقابل قوی بین سلامت عمومی و امنیت تأکید داشت و تعهدات قانونی ایجاد شده بر اساس مقررات به وضوح برای اعمال انتشار مواد بیولوژیکی، شیمیایی طراحی شده است. و حوادث رادیولوژیکی، تصادفی و عمدی. شیوع اخیر بیماری ها، اپیدمی ها، بلایای طبیعی و سایر شرایط اضطراری بهداشتی، ارتباط بین سلامت جهانی و امنیت را تقویت کرده است. به عنوان مثال، شیوع اخیر ابولا که در اینجا بیشتر مورد بحث قرار گرفت، بحث های



مربوط به امنیت بهداشت جهانی را احیا کرده است، از جمله طیفی از پیشنهادات برای اصلاح مجدد حاکمیت بهداشت جهانی برای تقویت رژیم امنیت بهداشت جهانی. (ریاضی، ۱۴۰۱)

پیوند بین قوانین بهداشت جهانی و سایر قلمروهای سنتی متمایز حقوق بین‌الملل به سرعت در حال تحول بیوتکنولوژی که در بخش قبل توضیح داده شد، بیشتر نشان داده می‌شود. بیوتکنولوژی بخش‌های زیادی از قانون از جمله بهداشت جهانی، حقوق بشر، مالکیت معنوی، مقررات تجارت و قوانین محیط زیست را از نزدیک به هم مرتبط می‌کند. به عنوان مثال، پیشرفت‌های بیوتکنولوژی باعث ایجاد بحث و توسعه در زمینه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شده است که موضوع اصلی نگرانی زیست‌محیطی، تأثیر بالقوه انتشار عمدی یا غیرعمدی موجودات اصلاح‌شده ژنتیکی برای سلامت و محیط‌زیست است. اسناد بین‌المللی مرتبط در این زمینه شامل کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ایمنی زیستی کارتاخنا ۲۰۱۰ آن، کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از گیاهان است. قانون تجارت بین‌الملل، به‌ویژه موافقت‌نامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت، موافقت‌نامه اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، و موافقت‌نامه موانع فنی تجارت، برای نظم بخشیدن یا محدود کردن اختیارات کشورهای عضو WTO برای مصرف مواد غذایی، ایمنی عمل می‌کند. ملاحظات بهداشتی، زیست‌محیطی و امنیت غذایی در اتخاذ تصمیمات نظارتی در مورد واردات. در میان ابزارهای منطقه‌ای، چارچوب قانونی اتحادیه اروپا در این حوزه یکی از گسترده‌ترین موارد است که موضوعاتی از جمله واردات، کشت، نظارت و برچسب‌گذاری مواد و مواد مشتق شده از GMO را پوشش می‌دهد. بخش اصلی قانون اروپا در مورد غذای GMO دستورالعمل اتحادیه اروپا است که در سال ۲۰۰۸ توسط دستورالعمل ۲۰۰۸ و مجدداً در سال ۲۰۱۵ توسط دستورالعمل ۲۰۱۵ اصلاح شد. این دستورالعمل‌ها رهاسازی عمدی در محیط را کنترل می‌کنند و در نتیجه هم کشت و هم واردات محصولات GMO را پوشش می‌دهند. علاوه بر این، مقررات اتحادیه اروپا قوانین دقیقی را در مورد مجوز، برچسب‌گذاری و عرضه در بازار برای غذا و خوراک تعیین می‌کند. (ذاکریان، ۱۳۹۷)

بخش سوم: نگاهی به ماهیت و منابع حقوق بین‌الملل

درک پیامدهای تحولات اخیر در حقوق جهانی بهداشت، از جمله آنهایی که برای سیاست‌های بهداشت عمومی داخلی، مستلزم درک ماهیت حقوق بین‌الملل و نظام سیاسی بین‌المللی است. از



زمان پایان جنگ سی ساله در سال ۱۶۴۸، نظام سیاسی جهانی عمدتاً درگیر تعاملات دولت‌های مستقل بوده است. در نتیجه، بسط حقوق بین‌الملل بر ایجاد قواعد توافقی در مورد وضعیت دولت‌ها و حقوق و تعهدات اساسی و همچنین تعهدات آنها متمرکز شده است. بنابراین، حقوق بین‌الملل اساساً بر تعاملات دولت‌های مستقل متمرکز است و می‌توان آن را به طور کلی به عنوان قواعدی که بر رفتار و روابط دولت‌ها حاکم است تعریف کرد. حقوق بین‌الملل به طور سنتی شامل دو قلمرو اصلی است: حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل خصوصی. در حالی که حقوق بین‌الملل عمومی در درجه اول به روابط دولت‌ها می‌پردازد، حقوق بین‌الملل خصوصی بر حقوق معاملات خصوصی افراد و شرکت‌ها تمرکز دارد. تمایز سنتی بین حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی با وجود اینکه کاملاً دقیق نیست همچنان پابرجاست. به عنوان مثال، بسیاری از حقوق بین‌الملل خصوصی به معاملات نهادهای عمومی مربوط می‌شود. علاوه بر این، در حالی که دولت‌ها موضوع اصلی حقوق بین‌الملل عمومی هستند، آنها تنها موضوع نیستند. سازمان‌های بین‌المللی و از طریق توسعه حقوق بین‌الملل حقوق بشر، افراد نیز تابع حقوق بین‌الملل عمومی محسوب می‌شوند.

در حقوق بین‌الملل، منابع قواعد حقوقی با اکثر نظام‌های حقوقی داخلی بسیار متفاوت است، زیرا نظام سیاسی جهانی دولت‌های مستقل اساساً با نظام‌های سیاسی داخلی متفاوت است. در حالی که تفاوت‌های مهمی در منابع حقوقی بین کشورها وجود دارد، قوانین داخلی عموماً از قوانین اساسی ملی، اساسنامه‌های شهرداری، آیین‌نامه‌های پارلمانی یا اجرایی و تصمیمات دادگاه‌های شهری سرچشمه می‌گیرد. برخلاف نظام‌های سیاسی داخلی، عموماً هیچ مرجع فراملی در سیستم جهانی برای توسعه و اجرای قانون علیه دولت‌های مستقل وجود ندارد. در غیاب یک مرجع فراملی، دولت‌ها قواعد حقوق بین‌الملل را وضع می‌کنند. بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری عموماً به عنوان فهرست معتبری از منابع حقوق بین‌الملل در نظر گرفته می‌شود. (ابراهیمی، ۱۳۹۴)

اگرچه مجموعه گسترده و پیچیده‌ای از منابع حقوقی الزام آور بین‌المللی وجود دارد، اکثر حقوق بین‌الملل امروزی، از جمله حقوق جهانی بهداشت را می‌توان در معاهدات یافت. کلمه معاهده یک اصطلاح عام است که شامل کلیه اسناد مکتوب منعقد شده بین دولتها می‌شود که به



موجب آن دولتها بین خود و بین خود تعهدات ایجاد می‌کنند. معاهدات اساساً به‌عنوان قراردادهایی بین دولت‌ها عمل می‌کنند که به موجب آن دولت‌ها قوانین مکتوب الزام‌آوری را برای حاکمیت بر رفتار خود و رفتار اتباع فردی و شرکتی خود وضع می‌کنند. هنگامی که دولت‌ها طرف معاهدات می‌شوند، صراحتاً موافقت می‌کنند که آزادی عمل مستقل خود را در برخی موارد برای دستیابی به اهداف مورد توافق دوجانبه محدود کنند. به طور کلی، معاهدات فقط برای کشورهایی که رضایت صریح کتبی خود را اعلام می‌کنند الزام‌آور است. معاهدات نیز مشمول مجموعه قابل توجهی از حقوق بین‌الملل هستند: کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات کنوانسیون وین. به اصطلاح قانون معاهدات، قواعد کلی اجرا و تفسیر معاهدات را ارائه می‌کند. کنوانسیون وین استفاده عمومی از اصطلاح معاهده را با تعریف معاهده به عنوان موافقت بین‌المللی منعقد شده بین دولت‌ها به صورت کتبی و تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل، خواه در یک سند واحد یا در دو یا چند سند مرتبط و با هر نام خاص آن، تأیید می‌کند. اصطلاحات معاهده، کنوانسیون، پروتکل و پیمان تا حد زیادی در اصطلاح حقوقی بین‌المللی به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. ماده ۱۹ کنوانسیون وین اصل حقوقی اساسی را در مورد رعایت معاهدات بیان می‌کند: هر معاهده لازم‌الاجرا برای طرفین آن الزام‌آور است و باید با حسن نیت اجرا شود. (مهرپور، ۱۳۹۷)

بخش چهارم: محدودیت‌های قانون‌گذاری بهداشت جهانی در سیاست بین‌المللی بهداشت

مهم است که بدانیم حقوق بین‌الملل یک مکانیسم ذاتاً ناقص برای همکاری بین‌المللی است. ضعف ذاتی حقوق بین‌الملل تا حد زیادی از اصل اصلی حاکمیت دولت ناشی می‌شود. قانونی که ساخته می‌شود و قانونی که اجرا می‌شود به اراده دولت‌ها بستگی دارد. در فرآیند انعقاد معاهده، دولت‌ها صراحتاً موافقت می‌کنند که قوانینی را برای حاکمیت وضع کنند و در نتیجه، رفتار خود و اتباع خود را از طریق توسعه و اجرای قوانین و سایر سیاست‌ها، بسته به شرایط معاهده، محدود کنند. مطابق با تعهدات بین‌المللی خود. مفهوم حاکمیت در نظام بین‌الملل به چشم می‌خورد و دولت‌ها عموماً بیزارند که آزادی عمل خود را از طریق توسعه تعهدات بین‌المللی الزام‌آور قربانی کنند. یک ضعف مرتبط که از اصل حاکمیت نشأت می‌گیرد، فقدان کلی



مکانیسم‌های اجرایی رسمی در بیشتر توافق‌های اقتصادی و اجتماعی معاصر است. برخلاف مکانیسم حل اختلاف ایجاد شده در سازمان تجارت جهانی، که در زیر در بخش «سازمان تجارت جهانی» توضیح داده شده است، در اکثر معاهدات اجتماعی و اقتصادی و سایر اسناد، دولت‌ها دستگاه‌هایی را برای وادار کردن طرف‌ها به رعایت تعهدات حقوقی بین‌المللی در نظر نمی‌گیرند. این واقعیت که بسیاری از معاهدات تمایل دارند در عمل به خوبی مورد احترام قرار گیرند تا حد زیادی نشان دهنده این واقعیت است که آنها به طور کلی برای طرفین دولت‌ها سودمند هستند. علاوه بر این، آگاهی فزاینده‌ای وجود دارد که شکست دولت‌ها در برخی مواقع در اجرای تعهدات بین‌المللی ممکن است بیش از اراده سیاسی منعکس کننده کمبود ظرفیت باشد. بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، با مشکلات حاد محدودیت منابع و ظرفیت در اجرای معاهدات معاصر مواجه هستند. پیشرفت‌های اخیر در فرآیند قانون‌گذاری بین‌المللی، مکانیسم‌هایی را برای رسیدگی به این مشکلات ظرفیت داخلی از طریق برنامه‌های کمک‌های فنی و مالی بین‌المللی که در متون کنوانسیون‌های مربوطه گنجانده شده‌اند، گسترش داده است. (مهرپور، ۱۳۹۷)

نتیجه‌گیری

این مقاله یک نمای کلی از حوزه به سرعت در حال گسترش قوانین بهداشت جهانی ارائه کرده است. این عصر تغییر قابل توجهی در سیاست‌های بهداشتی است. در طول یک دهه و نیم گذشته، بهداشت عمومی به عنوان یک موضوع اصلی در تقریباً همه حوزه‌های چندجانبه‌گرایی، از کنترل تسلیحات گرفته تا امنیت و حقوق بشر و تجارت، ظهور کرده است. در عین حال، ابعاد جهانی بهداشت عمومی در حال تغییر رویکردهای سنتی به بهداشت عمومی است. جهانی شدن ظرفیت دولت‌ها را برای حفاظت از سلامت در داخل مرزهای مستقل خود از طریق اقدام یکجانبه به تنهایی محدود کرده است و سلامت ملی و بین‌المللی به طور فزاینده‌ای به عنوان در هم تنیده و جدایی ناپذیر شناخته می‌شود. علاوه بر این، این ایده که دولت‌ها وظایف حقوق بشری برای حفاظت و ارتقای سلامت عمومی دارند و می‌توانند و باید در داخل و بین‌المللی برای اقدامات خود پاسخگو باشند، مورد پذیرش گسترده‌ای قرار گرفته است. در این دوره جدید از حاکمیت جهانی بهداشت، حقوق بین‌الملل نقش مهمی در ارتقا و هماهنگی همکاری‌های بین‌المللی و



اقدامات ملی دارد. از طریق ایجاد تعهدات بهداشتی بین‌المللی، دولت‌ها از نظر قانونی خود را ملزم به ایجاد، اجرا و در مواقعی هماهنگی قوانین بهداشت ملی و سیاست‌های بهداشت ملی می‌کنند. طراحی و مدیریت مؤثر حقوق بین‌الملل سلامت یکی از چالش‌های اصلی حاکمیت بهداشت جهانی در قرن حاضر خواهد بود. تحولات اخیر در حقوق بین‌الملل بهداشت و دیپلماسی منجر به افزایش تقاضاها برای قانون‌گذاری بین‌المللی در تعداد زیادی از حوزه‌های مرتبط با بهداشت عمومی شده است. مهم است که بدانیم حقوق بین‌الملل ابزار مناسبی برای همه مشکلات بهداشت جهانی نیست. با توجه به محدودیت‌های اساسی حقوق بین‌الملل و فرآیند قانون‌گذاری بین‌المللی، باید توجه دقیقی به انتخاب نگرانی‌های بهداشت جهانی و ایجاد رژیم‌های قانونی در شرکت‌های قانون‌گذار بین‌المللی سلامت در آینده صورت گیرد. سیاست‌گذاران باید اولویت بالایی برای شناسایی اینکه آیا و چگونه استراتژی‌های قانونی می‌توانند به دستور کار در همکاری‌های بین‌المللی سلامت کمک کنند، از جمله مهم‌تر از همه، چالش‌های عمده‌ای که گریبانگیر بسیاری از کشورهای در حال توسعه است، بدهند. در عین حال، باید به تأثیرات مثبت و منفی قوانین بین‌المللی موجود بر سلامت جمعیت توجه بیشتری شود. امید است که توجه بیشتر به تأثیر قوانین بین‌الملل، به ویژه حقوق تجارت بین‌الملل، راه‌های حیاتی را برای پیشبرد سلامت انسان باز کند.



منابع و مآخذ

- ۱- ابراهیمی، علیرضا (۱۳۹۴). حقوق بشر و سازمان های بین المللی، چاپ اول، مجمع علمی و فرهنگی مجد
- ۲- اکبری، بهنام و دیگران (۱۳۹۳). منطق و کالت، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد
- ۳- بیات، فرهاد و شیرین بیات (۱۴۰۰). شرح جامع حقوق مدنی، چاپ بیست و دوم، انتشارات ارشد
- ۴- پاسبان، محمدرضا (۱۳۹۷). حقوق شرکت های تجاری، چاپ دوازدهم، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- ۵- پاسبان، محمدرضا (۱۴۰۱). حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات گنج دانش
- ۶- پورقصاب امیری، علی و سمیرا نادری (۱۳۹۸). بهداشت زنان و کودکان در سازمان تجارت جهانی از منظر حقوق بشر، چاپ اول، انتشارات امجد
- ۷- تارلتون، مریلین آستین (۱۳۹۶). ۲۵ نکته طلایی برای کسب و کار موفق و کلا، مترجمان: کبری سبزیعلی یمقانی، مهدی صفاریان، افشین رزاقی، انتشارات ماهواره
- ۸- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۲). ترمینولوژی حقوق، چاپ سی و هفتم، انتشارات گنج دانش
- ۹- حیدری، محمد (۱۴۰۰). حقوق شرکت ها، چاپ دوم، مجمع علمی و فرهنگی مجد
- ۱۰- خلقی، طیب و علی آرین (۱۳۹۶). اسرار موفقیت در وکالت، انتشارات نوید صبح
- ۱۱- ذاکریان، حسن (۱۳۹۷). روان شناسی و جامعه شناسی وکیل، انتشارات راز نهان
- ۱۲- ریاضی، محسن (۱۴۰۱). قراردادهای پیمانکاری، چاپ دوم، انتشارات دادبانان دانا
- ۱۳- شیخ الاسلامی، مرتضی و نصرالله قهرمانی (۱۳۹۹). باید ها و نباید های وکیل دادگستری، انتشارات مهرداد
- ۱۴- عیسائی تفرشی، محمد (۱۴۰۰). حقوق شرکت های تجاری، چاپ چهارم، مجمع علمی و فرهنگی مجد
- ۱۵- فراهانی، مهدی و میثم عندلیبیان (۱۳۹۶). بایسته های وکالت، چاپ اول، انتشارات پیدا و پنهان



- ۱۶- کشاورز، بهمن (۱۴۰۲). هنر دفاع در دادگاه‌ها، چاپ بیست و یکم، انتشارات جنگل
- ۱۷- لاجوردی، عرفان (۱۳۹۳). حقوق شرکت‌های فراملی، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان
- ۱۸- محمدی آلاشتی، فریبرز و سید مازیار میر (۱۳۹۵). فن دفاع حرفه‌ای و کلا و زبان بدن، چاپ دوم، انتشارات هوشمند تدبیر
- ۱۹- مطلبی مقدم، آفرین و ابوذر بهروزی (۱۳۸۹). وکیل خود باشیم، چاپ سوم، انتشارات نوآور
- ۲۰- منصور، جهانگیر (۱۴۰۲). قانون تجارت، چاپ صد و هشتاد و یکم، انتشارات دیدار
- ۲۱- مهرپور، حسین (۱۳۹۷). نظام بین‌المللی حقوق بشر، چاپ هشتم، مجمع علمی و فرهنگی
- مجد
- ۲۲- نادری، ناصر (۱۳۹۴). وکیل دادگستری مدافع بی دفاع، انتشارات تلاشگران امیدوار